

## سخنان EZLN در روز ۴ ماه مارس ۲۰۰۱ در نوریو، میچوآکان

۴ مارس ۲۰۰۱

به خلق نوریو:

برادران و خواهران پورپه چا:

برادران و خواهران کنگره ملی بومیان:

برادران و خواهران جامعه مدنی ملی:

برادران و خواهران جامعه مدنی بین المللی:

با صدای من، ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی سخن می گوید.

موضوعی که در این روزها ما را گرد هم آورده است، جدید نیست.

توهینی که به ما روا می شود جدید نیست.

جدید نیست مبارزه مان.

دردها و نبردها نه زمان دارند و نه صاحب.

در آنها دنیا آمدیم و متعلق به همه اند.

درد متحدمان می کند، و یکی مان می کند، با وجود آن که بسیاریم.

ما این دردها هستیم:

برادر، خواهر آموزگو،

ریشخندمان می کنند به خاطر لباس مان، به خاطر سنن مان، به خاطر فرهنگ مان، به خاطر هر آن چه ما را ما

می کند. هویت مان را به خجلت بدل می کنند.

برادر، خواهر کورا،

تاریخ مان را تحت تعقیب قرار می دهند، در حالی که خودمان را تعقیب می کنند. مدت زمانی ست طولانی که تحت

تعقیب قرار داریم، همچنان ایندیو هستیم تا تعقیب کننده معنی داشته باشد.

برادر، خواهر کوئیکاتکو،

ما را با دروغ هایشان خفه می کنند. به دیگران دروغ می گویند و از ما تصویری می دهند از تسلیم و بی حرکتی.

برادر، خواهر چیاپا،

نام مان را ناقص می کنند، در حالی که تاریخ مان را فراموش می کنند، ما را به شکلی دیگر نامگذاری می کنند و مجبورمان می کنند که آن گونه که آنها می خواهند، خود را بنامیم، نه آن طور که نام مان است.

#### **برادر، خواهر چینانته کو،**

مسکن ما از هر نوع لوازم آسایش تهی ست. در تهیدستی زندگی می کنیم، میمیریم در تهیدستی و در تهیدستی فرزندانمان به دنیا می آیند و رشد می کنند. خانه های ما تابوت هائی هستند که در آن خانواده هایمان انباشته می شوند. آب لوله کشی نداریم، برق نداریم، فاضل آب نداریم، وسیله ای نداریم.

#### **برادر، خواهر چوچولته کو،**

به تعداد روستاهای ما در خارج از مسیر دید افزوده می شود. وجودمان را نفی می کنند، و چون نمی توانند ما را کاملاً از میان ببرند، ما را از آن ها، از دیگران متواری مان می کنند.

#### **برادر، خواهر چول،**

مهر و محبت ما را با تهیدستی ریشه کن می کنند، باید بسیار گام برداریم، دور از آن که متعلق به ما است، تا بازوان مان در خدمت زورمندان در آیند در مقابل تهیدستی ای که بازهم مهر و محبت مان را ریشه کن کند.

#### **برادر، خواهر چونتال،**

به اشکال مختلفی بر علیه مان می جنگند. گاهی با گلوله، گاهی با نیرنگ، گاهی با فقر، گاهی با زندان. همیشه با فراموشی.

#### **برادر، خواهر گوارخیو،**

امروزه خاطره جرم است، ما خاطره ایم. ایندیخنا هستیم، بزهکاریم، خون ما زندان ها و قبرستان ها را پر می کند. حکم این است: زندان و قبر برای خاطره.

#### **برادر، خواهر هواسته کو،**

عمرمان از آن ها کوتاه تر است، بیش از آن ها بیمار می شویم. اگر با آنها مقایسه کنیم، مرگ و میر بچه هایمان دوبرابر آنها ست، بیش از آنها تصادف می کنیم. بیشتر مرده داریم. اما کمتر بیمارستان داریم، کمتر دکنتر داریم، کمتر پرستار داریم، کمتر دارو داریم، کمتر حیات داریم.

#### **برادر، خواهر اوآوه،**

دستمزد کارمان از حد معمول کمتر است. کلاه برداران و زمینداران بزرگ برای سرقت بهای کارمان ائتلاف می کنند. روزکارهای بلند و دردآور تبدیل به چندرغازی می شوند که برای هیچ چیز کافی نیست.

#### **برادر، خواهر کیکاپو،**

با کار، کار می کنیم تا بتوانیم کاری را که گیر می آید انجام دهیم و این گونه بتوانیم کار خودمان را انجام دهیم.

#### برادر، خواهرِ کوکاپا،

موسیقی کلاممان، هیاهو است برای گوششان، و هیاهویشان را می خواهند به موسیقی گوش ما بدل کنند.

#### برادر، خواهرِ مامه،

در کنجی زندگی می کنیم و در آن گوشه می گیریم. کوچکتر و کوچکتر است هوائی که برایمان می ماند، و آسمان و زمین.

#### برادر، خواهرِ ماتلتسینکا،

تاریخ روشن است: مردگان، خون و درد از ماست، خانه و زمین ما ویران شده است، مردممان در حال کشتنِ مرگ های مرگ آور مُردند.

#### برادر، خواهرِ مایا،

معلم نداریم زیرا مدرسه ای نداریم، و مدرسه ای نداریم زیرا معلم نداریم. برنامه های آموزشی دولتی در آموزش نادانی به مردم ما پایدارند.

#### برادر، خواهرِ ماساهوا،

آب را آلوده می کنند، کمیابش می کنند، آن را می ربایند، آن را می فروشند. خاک را بدون آذوقه می گذارند تا خاک از تشکنی هلاک شود.

#### برادر، خواهرِ مایو،

کاری می کنند تا در مقابل هم بایستیم، بین مان بذر نفاق می پاشند و مرگ برادر را در دست برادر می گذارند.

#### برادر، خواهرِ ماساته کو،

آذوقه مان کم و بد است. گوشت، شیر و تخم مرغ را به نام می شناسیم، اما همیشه این نام ها سر سفره ما غایبند. تنها چیزی که سر سفره ما فراوان است، دهان های گرسنه فرزندان و خود ما ست.

#### برادر، خواهرِ میخه،

به عنوان زن سه بار ما را به قتل رسانیده اند. به قتل رسیده به عنوان فقیر. به قتل رسیده به عنوان ایندیخنا (بومی). به قتل رسیده به عنوان زن. سه بار ما را به قتل رسانده اند.

#### برادر، خواهرِ میکسته کو،

الکل برای خونمان زهر است و بهائی که بابت زهر می پردازیم تنها به درد چاق کردن زورمندان می خورد.

تقاضای آذوقه می دهیم و الکی دریافت می کنیم که شادیمان را تباه می کند و قلبمان را به اندوه می آورد.

#### **برادر، خواهرِ ناهواتل،**

اگر تحت بی عدالتی و استبداد باشیم و اعتراض کنیم، سرکوب می شویم. اگر حقوقمان را بخواهیم، سرکوب می شویم. اگر حرف بزنیم، سرکوب می شویم. اگر متشکل شویم، سرکوب می شویم. اگر مقاومت کنیم، سرکوب می شویم. همیشه سرکوب پاسخی ست که دریافت می کنیم. هرگز گوش شنوا، کلام بی ریا و سخاوت خواهرانه، نصیب مان نمی شود، نصیب ما همیشه تهدید است، زندان و مرگ.

#### **برادر، خواهرِ نیانیو،**

رنگ ما برای قدرتمندان، ضعف معنی می دهد، عقب ماندگی، نادانی، کینه بدخواهی، جوکی بدمزه، دهن کجی تنفر.

#### **برادر، خواهرِ اواودهام،**

می خواهند شأن و حیثیت ما را بخرند، تنها چیزی را که بدون قیمت می ماند. اگر نتوانند بخرند، آنگاه تعقیب اش می کنند، می کشند.

#### **برادر، خواهرِ پامه،**

زمین ما را می گیرند برای آن که بذر بپاشند و مرگی را محصول ببرند که با آن شیرین می کنند رگ و ریه را. آنها سودش را می برند، ما گوشتش را برای محکومین به اعمال شاقه.

#### **برادر، خواهرِ پوپولوکا،**

ما ایندیخناها با آن که بسیار کار می کنیم، هیچ پیشرفتی نداریم. و او که کار نمی کند، به خرج تهیدستی ما، پیشرفت می کند. ما کار کرده، فقر برداشت می کنیم، ثروتمند کار نمی کند و به عنوان جایزه ثروت نصیبش می شود.

#### **برادر، خواهرِ پوره په چا،**

زبان ما تحت تعقیب است. از آن می ترسند به خاطر آن چه می گوید و افشاء می کند. از آن می ترسند زیرا اجازه دیدن تاریخ گذشتگان را می دهد. از آن می ترسند زیرا در آن امروز شورش می شود. از آن می ترسند زیرا فردا را نوید می دهد. از زبانمان می ترسند و به همین دلیل آنرا تعقیب می کنند و می کشند.

#### **برادر، خواهرِ راراموری،**

آن چه در خاک ما بدرد قدرت می خورد، ما نیستیم، بلکه منابعی است که در خود دارد. اینطوری درخت کشته می شود برای چوب شدن، و از چوب می شود پول ساخت و پول برای قدرتمند اقبال می شود، برای ما سیه روزی.

#### **برادر، خواهرِ تنک،**

ما موضوعی هستیم تزئینی، زینتی هستیم جلوه گر و فراموش شده در گوشه ای از جامعه. ما یک قاب عکسیم، یک عکس، یک بافتنی، یک کاردستی، هرگز یک انسان نیستیم.

#### **برادر، خواهرِ تلاهوایکا،**

فرزندانمان رشد می کنند در حالی که در ترس آموزش می بینند، می ترسند بزرگ شوند، می ترسند ایندیو (بومی) باشند، از آن کسی که ایندیو نیست می ترسند، می ترسند بچه باشند.

#### **برادر، خواهرِ تاپانکو،**

نمی خواهند به ما فضایی بیشتر از آن چه به موزه اشیا عتیقه، که از گذشته و از دیروزی بسیار دور باقی مانده، اختصاص دهند.

#### **برادر، خواهرِ توخولابال،**

روستاهای ما پر می شوند از ارتشهایی که خاکمان را اشغال می کنند، جنگل هایمان را ویران می کنند، آب مان را آلوده می کنند، حرمت معابد مان را می شکنند، اثاثه خانه هامان را تخلیه می کنند، مواد مخدر، الکل و فحشا وارد می کنند، با سگ های شکاری، هواپیما، هلیکوپتر، تانک های جنگی و هزاران سرباز تعقیب مان می کنند.

#### **برادر، خواهرِ توتوناکو،**

عدالت برای ما یا ریشخندی است ظالمانه و توجیه شده، یا قبرستان، یا بند، یا مفقودالایر شدن. ایندیخنا (بومی) بودن جرمی است قانونی که در هیچ ماده ای نوشته نشده ولی در کله پلیس و قضات هست.

#### **برادر، خواهرِ تریکی،**

تحقیر آینده ای ست که پیش پای مان می گذارند. در آن همیشه باید سرمان را در مقابل قدرتمندان پائین نگاه داریم و موضوع استهزا و تحقیر باشیم، زیر دست باشیم و قابل فراموش شدن.

#### **برادر، خواهرِ تسلتال**

سرزمین های خوبمان توسط ثروتمندان اشغال شده است، و ما را به زمین های پراز سنگ و کلوخ پرت کرده اند که بزور سطحش کمی خاک دارد.

#### **برادر، خواهرِ تسوتسیل،**

برای قتل ما گروه های شبه نظامی را به لحاظ مالی تأمین می کنند، سازمان می دهند، مسلح می کنند آموزش می دهند. و آنگاه جنایات آنها را به عنوان درگیری کشاورزان معرفی می کنند، به عنوان «درگیری درون روستائی»، گوئی آن دستی که می کشد، تیره رنگ است، نه به رنگ پول.

#### **برادر، خواهرِ ویکساریتاری – اوئیچول،**

زمین ما را می دزدند و نیرومندان دزدی خود را در پس قوانینی پنهان می کنند که برای خدمت به خود آنها و صدمه زدن به ما وضع شده اند. به لطف قانون قدرتمندان، زندگی و تاریخ ما به جرم بدل می شود.

### **برادر، خواهرِ یاکی،**

قدرت آن بالائی ها می خواهد آگاهی مان را بخرد، فاسدمان کند تا به برده بدل شویم، به خادمین پستی که عدالت را در پس دروغ پنهان می کنند.

### **برادر، خواهرِ ساپوتکو،**

سیاست اقتصادی قدرتمندان ما را وادار می کند که خاکمان را رها کنیم، و به ایالات متحده مهاجرت کنیم. بعلاوه آن که باید خانواده مان، تاریخ مان، فرهنگ مان، خانه مان، خاکمان، محبت مان و خلق مان را پشت سر بگذاریم، باید نژادپرستان مسلح پلیس مرزی و زمینداران بزرگ فاشیست را نیز متحمل شویم. مرگ وادارمان می کند که خاک مان را رها کرده، برویم، باید با مرگ روبرو شویم.

### **برادر، خواهرِ زوکه،**

دورمان را می گیرند تا به خونی که به ما زندگی می بخشد خیانت کنیم، برای این که در کار کثیف پاک کردن رنگ زمین، به خدمت قدرتمندان در بیائیم.

### **برادر، خواهرِ خلق های بومی که همه امروز هستیم،**

از نظر قدرت حاکم، ما چیزی بیش از عددی در حساب هایش نیستیم. عدد مزاحمی هستیم. عددی در یک ترازو. برای مفقودالاضر کردن مان، ما را اندازه گیری می کنند، برای تعیین وقت و خرجش. برای استثمار کردن مان، ما را اندازه گیری می کنند، برای تعیین وقت و سودشان. برای کنترل کردن مان، ما را اندازه گیری می کنند، برای تعیین وقت و هزینه اش.

برادر، خواهر ... ، آموزگو، کورا، کوئیکاتکو، چیاپا، چینانته کو، چوچولته کو، چول، چونتال، گوارخیو، هواسته کو، اوآوه، کیکاپو، کوکاپا، مامه، ماتلتسینکا، ملیا، یوکاته کو، مایو، ماساهوا، ماساته کو، میخه، میکسته کو،،، ناهواتل، نیانیو، اوآودهام، پامه، پوپولوکا، پوره په چا، راراموری، تِنک، تلاهوایکا، تِلاپانکو، توخولابال، توتوناکو، تریکی، تسلتال، تسوتسیلچ، ویکساریتاری - اوئیچول، یاکی، ساپوتکو، سوکه

### **برادران و خواهران:**

امروز می خواهند ما را مد روز کنند. امروز می خواهند از ما نمایش بسازند، اخبار زودگذر. امروز باز هم می خواهند ما را به لحظه بدل کنند، آنی، کم دوام، دور انداختنی، نا قابل برای به حساب آوردن، قابل فراموشی.

چه زمانی تاریخ به مد بدل شد؟

چه زمانی خاطره قابل فروشی بود؟

چه زمانی ریشه از جنس جلای زودگذر بود؟

چه زمانی گذشته لحظه ای بود؟

چه زمانی آگاهی حل شدنی و فوری بود؟

چه زمانی متانت ناپایدار بود؟

چه زمانی پایه دورانداختنی بود؟

چه زمانی فردا قابل گذشت بود؟ (قابل پیش بینی)

چه زمانی فراموش خواهد شد که آنها هستند، چرا که ما هستیم؟

چهل خلق از پنجاه و هفت خلق ایندیوئی (بومی) که در مکزیک سکونت دارند، در خانه پوره په چا پذیرائی شدیم. در نوریوی می چو آکان بود، تا نویسندگان مان آنرا به ثبت برسانند.

درد و امید ما را گرد هم آورد.

تا درد و امید ما را به گام برداشتن بدارد، مانند دیروز، مانند همیشه.

ولی حالا تنها نمی رویم.

نه فقط برای خودمان.

نه فقط برای دیگران.

حالا بازهم گام برمی داریم، ولی هفت روزی را که لازم است تا به خاکی که به بالا رشد می کند برسیم، به آن جا که قانون وضع می کنند، با تمامی ایندیوهائی که ما هستیم، به لرزه در خواهند آمد.

اگر درد متحدمان کرده، اگر امید متحدمان می کند از کجا معلوم، که فردا متحدمان نکند.

دمکراسی!

آزادی!

عدالت!

از روستای پوره په چای نوریو، می چو آکان.

کمیته مخفی انقلابی ایندیخنا (بومیان) - فرماندهی مرکزی ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی.

مکزیک، مارس ۲۰۰۱

ترجمه رسول رحیم زاده

NURIO, MICHOACÁN, AMUZGO, CORA, CUICATECO, CHIAPA, CHINANTECO, CHOCHOLTECO, CHOL, CHONTAL, GUARIJIO, HUASTECO, HUAVE, KIKAPU, KUKAPA, MAME, MATLATZINCA, MAYA YUCATECO, MAYO, MAZAHUA, MAZATECO, MIXE, MIXTECO, NAHUATL, ÑAHÑU, O'ODHAM, PAME, POPOLUCA, PUREPECHA, RARAMURI, TENEK, TLAHUICA, TLAPANECO, TOJOLABAL, TOTONACO, TRIQUI, TZELTAL, TZOTZIL, WIXARITARI-HUICHOL, YAQUI, ZAPOTECO, ZOQUE